

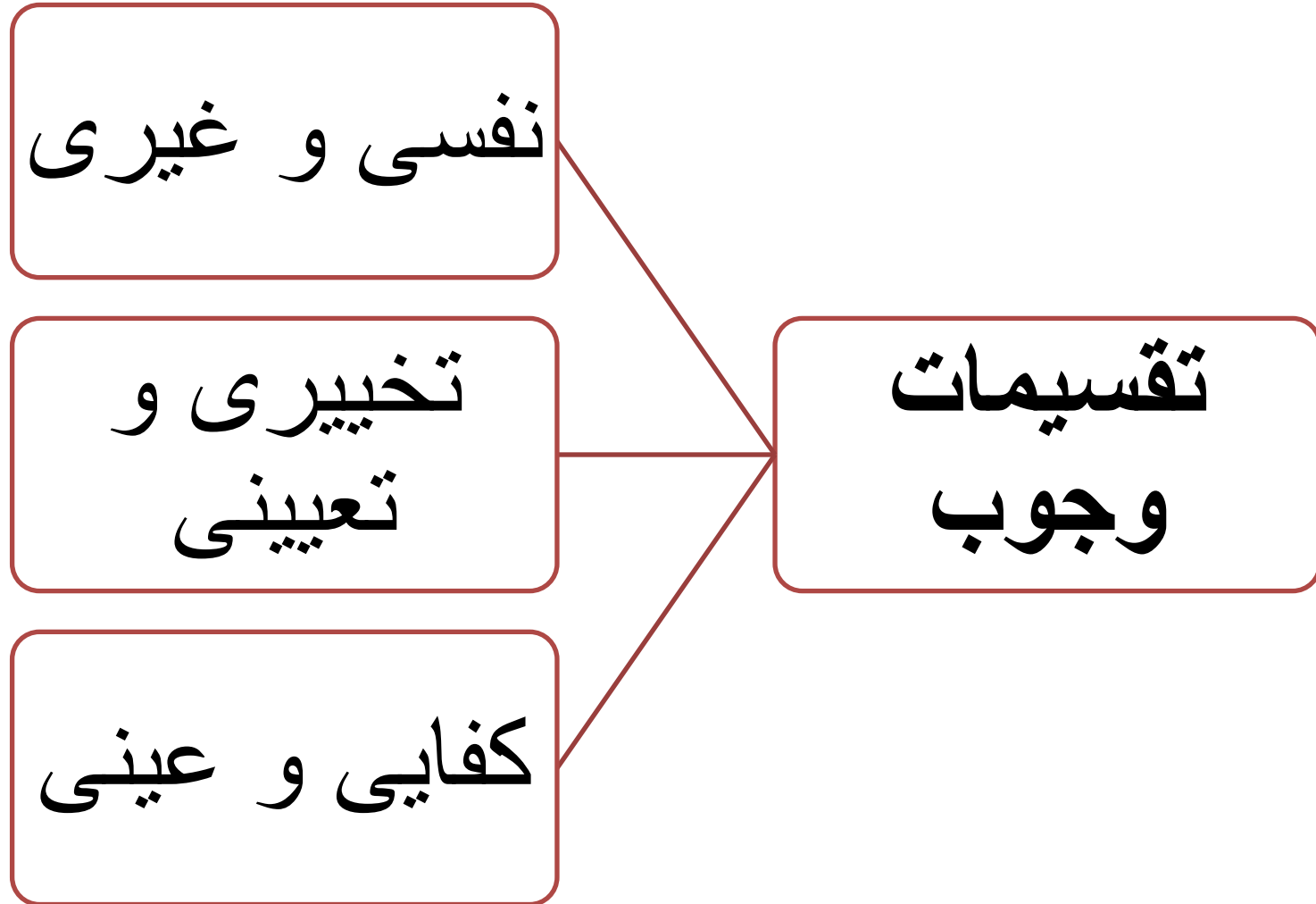
علم أصول الفقه

٤٣

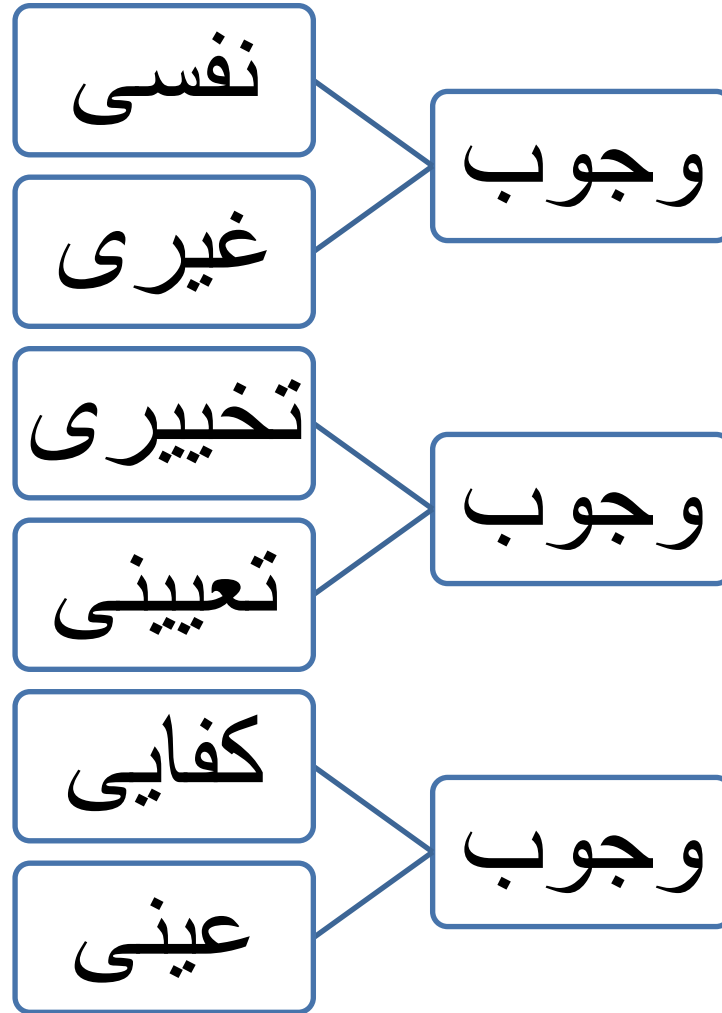
اوامر ٧-١٠-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

تقسيمات وجوب



تقسيمات وجوب



تقسيمات وجوب

نفسی

غیری

وجوب

تقسيمات وجوب

تخييري

تعيني

وجوب

تقسيمات وجوب

كفائي

عيني

وجوب

تقسیمات وجوب

- آیا صیغۀ امر در وجوب خاصی از این اقسام ظهور دارد؟
- این بحث شبیه بحث قبلی است. در واقع در جستجوی مفاد صیغۀ امر هستیم و می‌خواهیم دریابیم آیا صیغۀ امر بدون قرینه بر یکی از اقسام وجوب دلالت می‌کند یا فقط اصل وجوب را به نحو مجمل بیان می‌کند.

تقسیمات وجوب

- برای پاسخ به این سؤال باید این اقسام را از هم جدا کنیم؛ چون تقسیم وجوب به نفسی و غیره یا تعیینی و تخییری یا عینی و کفایی به ملاک‌های مختلف است و در واقع چند تقسیم در عرض هم هستند.
- بنابراین سؤال پیش گفته، به چند سؤال کوچک‌تر تحلیل می‌شود؛ یعنی برای هر تقسیم یک سؤال مطرح می‌شود که در ادامه به آن‌ها می‌پردازیم.

تقسيمات وجوب

نفسی

غیری

وجوب

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- سؤال اول
- آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا وجوب غیری یا هیچ کدام؟
برای پاسخ به این سؤال باید در ابتداء به معنای واجب نفسی و غیری پردازیم.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

وجوب نفسی

برای خودش
واجب است

خودش مطلوبیت
دارد و به سبب آن
خودش متعلق الزام
است

وجوب غیری

وجوبش برای امر
دیگری است

به سبب مطلوبیت
امر دیگری و برای
رسیدن به آن امر
متعلق الزام است

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- در تعریف وجوب نفسی گفته‌اند چیزی است که برای خودش واجب باشد.
- در مقابل غیری است که وجوبش برای امر دیگری است.
- به عبارت دیگر اگر چیزی خودش مطلوبیت داشت و به سبب مطلوبیت خودش متعلق الزام شد، واجب نفسی است
- و اگر چیزی به سبب مطلوبیت امر دیگری و برای رسیدن به آن امر متعلق الزام شد، واجب غیری است.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- این تعریف ابتدائی با این مشکل مواجه شده است که ما عدلیه معتقدیم هر جایی که شارع امر کرده یا الزامی و وجوبی را جعل کرده است، مصالحی وجود داشته است که برای تحقق آن مصالح این عمل واجب شده است.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- این مصالح می تواند مصالح مادی باشد یا مصالح معنوی و می تواند مصالح فردی باشد یا مصالح اجتماعی.
- بنابراین تمام الزامات شرعی در واقع برای تحقق چیز دیگر یعنی آن مصالح و ملاکات واقعی جعل شده اند و خودشان مطلوبیت بالذات ندارند.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- اگر این طور تفسیر کنیم، وجوب در تمام واجبات، غیری می شود و وجوب نفسی نخواهیم داشت به این معنا که یک چیزی الزامی باشد که هیچ مصلحت و مطلوبیت بالذات نداشته باشد.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- حتی اوامر امتحانیه هم برای چیز دیگری واجب می‌شوند؛ زیرا حداکثر این است که ما اوامر امتحانیه را به گونه‌ای تفسیر کنیم که هیچ مصلحتی برای آنها نیست و شارع صرفاً برای آزمون بندگی و میزان تعبد ما این اوامر را صادر می‌کند مثل آن امری که به ابراهیم - علیه السلام - برای ذبح اسماعیل - علیه السلام - شد. این امر در واقع آزمونی برای سنجیدن میزان عبودیت ابراهیم بود.
- حتی این نوع اوامر هم برای خودشان واجب نمی‌شوند، بلکه بدان سبب واجب می‌شوند که از طریق آنها میزان بندگی و عبودیت شخص سنجیده می‌شود.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- در مقام جواب این اشکال، باید تعریف ابتدائی تعدیل شود؛ یعنی تسامحی را که در آن بود، با یک دقتی بر طرف کنیم.
- آن دقت این است بگوییم اگر در جایی در ابتداء الزام متوجه چیزی شد، وجوب نفسی است
- اما اگر الزام متوجه چیزی شد به دلیل الزام به چیز دیگری و این الزام اول برای تحقق آن دیگری مقدمیت داشت، وجوب غیری است؛

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- مثلاً در ابتداء به نماز صبح الزام تعلق گرفته است اما الزام به وضو گرفتن برای الزامی است که به نماز صبح تعلق گرفته است؛ یعنی الزام به وضو در طول الزام به نماز است.
- بنابراین وجوب نماز وجوب نفسی است اما وجوب وضو وجوب غیری است.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- در حقیقت ما ملزم به یک کاری هستیم (واجب نفسی) و چون آن کار مقدمه‌ای دارد، ملزم به اتیان این مقدمه شدیم.
- پس غیری بودن به لحاظ الزام است.
- با این تعریف دیگر این اشکال وارد نیست که نماز هم بخاطر مصالحی واجب شده است. پس غیری است؛ زیرا در جواب می‌گوییم گرچه نماز برای تحقق آن مصالح واجب شده است، الزام در ابتداء به خود نماز تعلق گرفته است نه به آن مصالح و ملاکات واقعی.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- حال بر می گردیم به آن سؤال که آیا امر در وجوب نفسی ظهور دارد یا در وجوب غیری. جوابی را که من عرض می کنم، جواب امام - رضوان الله علیه - است که درست هم است. مرحوم شهید صدر چند جواب ذکر کرده است و به بعضی از آنها انتقاد کرده است؛ البته این جوابها از خودش هم نیست.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- مرحوم امام به ظهور عرفی امر تمسک می‌کند و می‌فرماید وقتی امر متوجه عملی شد، اگر وجوبش نفسی باشد، آن عمل از ابتداء متعلق الزام است. اما اگر وجوبش غیری باشد، الزامش در طول الزام یک چیز دیگری است؛ مثلاً الزام به وضو در طول الزام به نماز است.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- حال که شارع به من گفته است فلان کار را انجام بده، من شک می‌کنم آیا این الزام از ابتداء متوجه این عمل شده است یا این الزام در طول یک الزام دیگر است به گونه‌ای که اگر آن الزام دیگر ساقط شود، دیگر نوبت به این الزام نمی‌رسد؛ مثلاً فرض کنید اگر الزام به نماز ساقط شود، الزام به وضو هم ساقط می‌شود.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- حال اگر احتمال دهم شاید این الزام مترتب بر الزام دیگری باشد و شاید آن الزام دیگر هنوز متوجه من نشده است و یا به هر دلیلی احراز نکردم که وضو الآن بر من الزمی است و به همین جهت بخواهم وضو را ترک کنم، از نظر عقلا این احتمالات عذر مقبولی نیستند.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- تعبیر دیگری هم از این بحث می‌توان داشت که در بیان آقای صدر - رضوان الله علیه - آمده است که به نظر من هر دو تعبیر به یک جا برمی‌گردند.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- در این تعبیر می‌گوییم وجوب غیری مؤونه زائده دارد. اگر واجب، غیری باشد، شارع باید بگوید که وضو را بر تو واجب کردم برای اینکه نماز را بر تو واجب کردم؛ یعنی بدان الزام وضو متفرع بر الزام نماز است در حالی که در موارد وجوب نفسی مؤونه زائده ندارد و تنها می‌گوید این نماز بر تو واجب است و به بیش از بیان اصل الزامش نیاز ندارد. پس اطلاق کلام وجوب نفسی راقضا می‌کند.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- بحث معنای واجب نفسی و غیری را اصولی‌ها در بحث مقدمه واجب مطرح می‌کنند ولی به نظر من به لحاظ منطقی باید اینجا و قبل از پاسخ به سؤال که بحث ما بدان پرداخت.
- برای مثال از جمله مصالح مادی نماز صبح این است که انسان وقتی بخواهد نماز بخواند باید بیدار شود و بیدار بودن در آن زمان یعنی فاصله بین الطلوعین به لحاظ پزشکی و مادی آثار مثبتی دارد و به عکس خوابیدن در آن زمان به لحاظ پزشکی و مادی آثار منفی دارد. از جمله مصالح معنوی نماز صبح آن است که وقتی انسان آن موقع بیدار می‌شود و یک عملی عبادی مثل نماز صبح را انجام می‌دهد، توجهی به خدا پیدا می‌کند. نماز یک گفتگوی بی‌واسطه با خدا است. این گفتگو در اول صبح که آغاز یک روز جدید و آغاز یک فعالیت جدید است، فرصتی برای یادآوری مقام عبودیت و تجدید پیمان با خدا است. این یادآوری در مجموعه رفتارهای آن شخص در آن روز تأثیر می‌گذارد و در واقع منجر به بازسازی توان معنوی او می‌گردد. در برخی روایات وارد شده است که نماز مثل یک نهری است که وقتی وارد آن می‌شوید از الودگی‌ها پاک می‌شوید. همان طور که اگر انسان پنج بار در روز انسان خودش را شستشو دهد، هیچ الودگی ظاهری در بدنش نمی‌ماند، اگر در نهر جاری نماز هم پنج بار روح خودش را شستشو داد، الودگی‌های روحی، فکری و معنوی او از بین می‌رود. نماز آثار اجتماعی هم دارد. همین نماز صبح باعث می‌شود که فرد در رفتار خودش با سایر افراد جامعه متعادل‌تر برخورد کند. درحقیقت آن جنبه معنوی نماز صبح و آن جنبه مادی و پزشکی نماز صبح در رفتار متعادل‌تر او با دیگران تأثیر می‌گذارد و آن رفتارهای متعادل همه، جامعه را با وضعیت بهتری مواجه می‌کند.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- اینکۀ آیا وضو وجوب شرعی دارد یا ندارد؟ یک مسأله فقہی است و این مثال با این فرض است کہ وضو وجوب شرعی داشته باشد. در حقیقت می گوییم اگر وضو وجوب شرعی داشته باشد، وجوبش غیری است و وجوب نماز نفسی است.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

این پرسش مطرح شده است که چرا شارع برای هر یک از مصالح احکام، امری جداگانه قرار نداد. این پرسش فرعی است و بیشتر از اینکه پرسش اصولی باشد، یک پرسش کلامی است. مثلاً آیا این بیدار شدن بین الطلوعین یک مصلحت پزشکی دارد و یک مصلحت معنوی دارد که باعث توجه به خدا می‌شود و یا سایر مصالح فردی و اجتماعی. بنابراین بگویید بین الطلوعین بیدار باشید. به یاد خدا باشید! با افراد جامعه رفتار خوبی داشته باشید. چرا خود این مصالح را به طور مستقیم الزام نمی‌کند و به چایش گفته است دو رکعت نماز با این خصوصیات بخوانید. البته این چیزهایی که مصالح را محقق می‌کنند نوعاً علت تامه برای تحقق آن مصالح نیستند، بلکه جزء العلة هستند؛ یعنی همیشه این طوری نیست که با این عمل، همه آن آثار مترتب شوند، بلکه می‌تواند همه آن آثار بر این عمل مترتب شود. جواب‌های متعددی به این پرسش داده‌اند. شهید صدر - رضوان الله علیه - همه این جواب‌ها در بحث مقدمه واجب در تعریف وجوب نفسی و غیری جمع کرده است. (ر.ک: بحوث فی علم الاصول، ج ۲، ص ۲۲۱ - ۲۲۴) من به یک جوابی که شاید ترکیبی از آن جواب‌ها باشد، اشاره می‌کنم. معمولاً مصالحی که بر یک عمل مترتب می‌شود، متنوع است. اگر شارع می‌خواست به آن مصالح امر کند، باید اوامر متعدد صادر می‌کرد و در واقع به کارهای مختلفی را امر می‌کرد در حالی که به جای آن اوامر متعدد به یک عملی را امر کرده است که می‌تواند منشا آن همه آن اعمال (آثار) باشد. این شیوه به لحاظ مقام عمل برای عبد ساده‌تر است؛ چون شارع بهترین و ساده‌ترین راه رسیدن را برایش بیان کرده است. در حقیقت شارع به مثابه استادی عمل می‌کند که می‌خواهد یک سری نتایج برای شاگردش حاصل شود. اگر به شاگردش بگوید به دنبال این نتایج برو و آن شاگرد بخواهد راه رسیدن به این نتایج را پیدا کند، باید بارها شکست بخورد و در نهایت هم شاید نتواند پیدا کند. به همین جهت استاد بهترین راهی را محصول دانش و تجربیاتش است، جلوی پای آن شاگرد می‌گذارد و به جای اینکه به نتایج اشاره کند، می‌گوید فلان کار را انجام بده.

آیا امر ظاهر در وجوب نفسی است یا غیری؟

- حضرت امام - رضوان الله تعالى عليه - این بحث که امر ظهور دارد در وجوب نفسی یا غیری، تعیینی یا تخییری، کفایی یا عینی همه را یکجا بحث کرده است؛ یعنی سه سؤال را با یک جواب، جواب داده است و البته آن یک جواب، جواب درستی است. اما برای اینکه بتوانیم مسأله را به طور کامل تشخیص دهیم، به شیوة شهید صدر - رضوان الله عليه - هر بحث را جداگانه مطرح می‌کنیم.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۱۱ - ۱۱۳.
- موسوی خمینی، روح الله، تهذیب الأصول ج ۱، ص ۲۳۳، تهران، چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ. ق.
- بحوث فی علم الأصول، ج ۲، ص ۱۱۱ - ۱۱۳.

تقسيمات وجوب

تعيني

تخييري

وجوب

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- سؤال دوم
- آیا امر در وجوب تعیینی ظهور دارد یا در وجوب تخییری و یا هیچ یک؟ برای پاسخ دادن به این سؤال باید به تفسیر وجوب تخییری و تعیینی پردازیم.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

لا يجوز تركه
إلى بدل

واجب تعیینی

يجوز تركه
إلى بدل

واجب تخییری

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- گفته‌اند واجب تخیری عبارت است از واجبی که «يجوز تركه إلى بدل»: می‌توان آن را ترک کرد و به سمت بدلش رفت؛ یعنی به جای آن یک کار دیگری را انجام داد.
- واجب تعیینی واجبی است که «لا يجوز تركه إلى بدل»: باید خودش را انجام داد و ترکش جایز نیست.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- برای مثال بسیاری از فقها قائل هستند که در زمان غیبت در روز جمعه، نماز ظهر و نماز جمعه واجب تخییری هستند.
- طبق این تفسیر می توانیم نماز ظهر را در روز جمعه ترک کنیم و به جای آن نماز جمعه را بخوانیم یا نماز جمعه را ترک کنیم و به جایش نماز ظهر را بخوانیم.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

واجب
تخییری

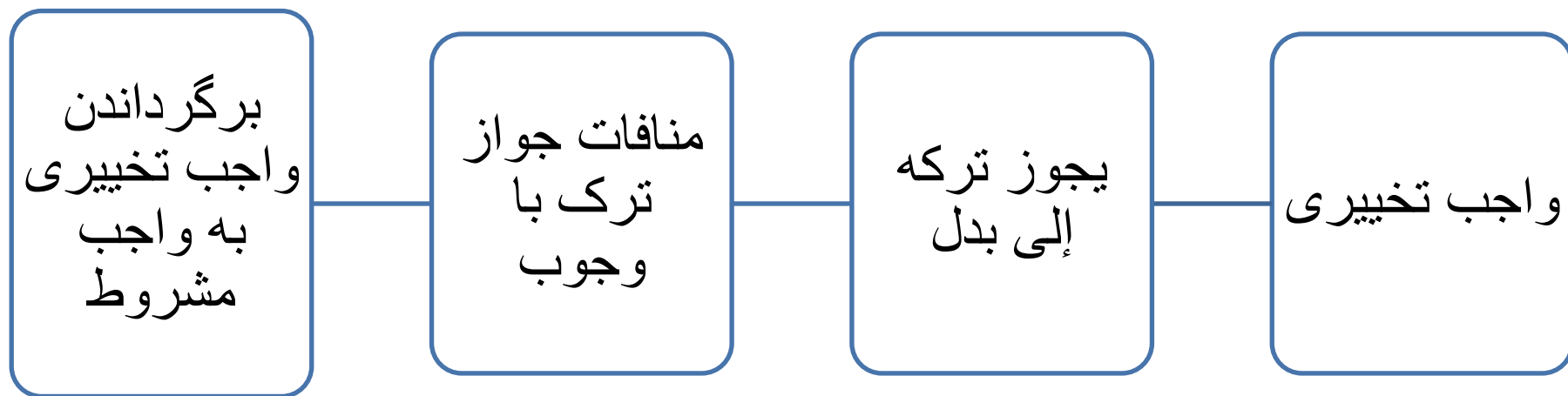
يجوز تركه
إلى بدل

منافات جواز
ترك با
وجوب

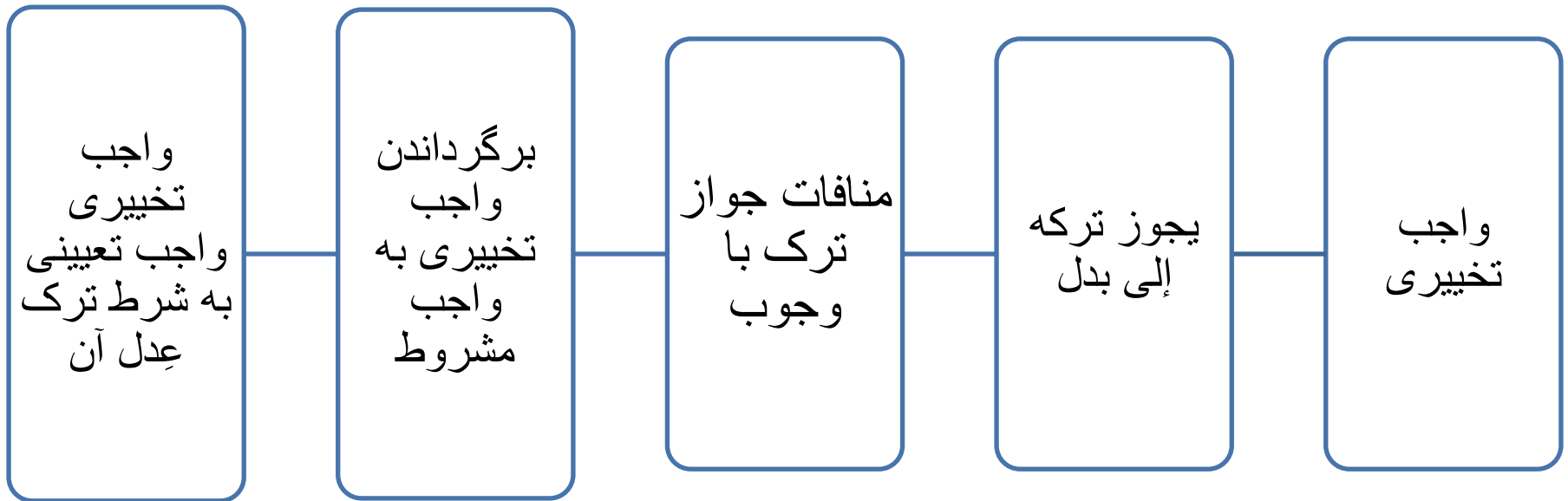
آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- بر این تعریف اشکال کرده‌اند که جواز ترک در تعریف، با وجوب منافات دارد؛ چون در جوهر و ذات وجوب، عدم جواز ترک وجود دارد.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟



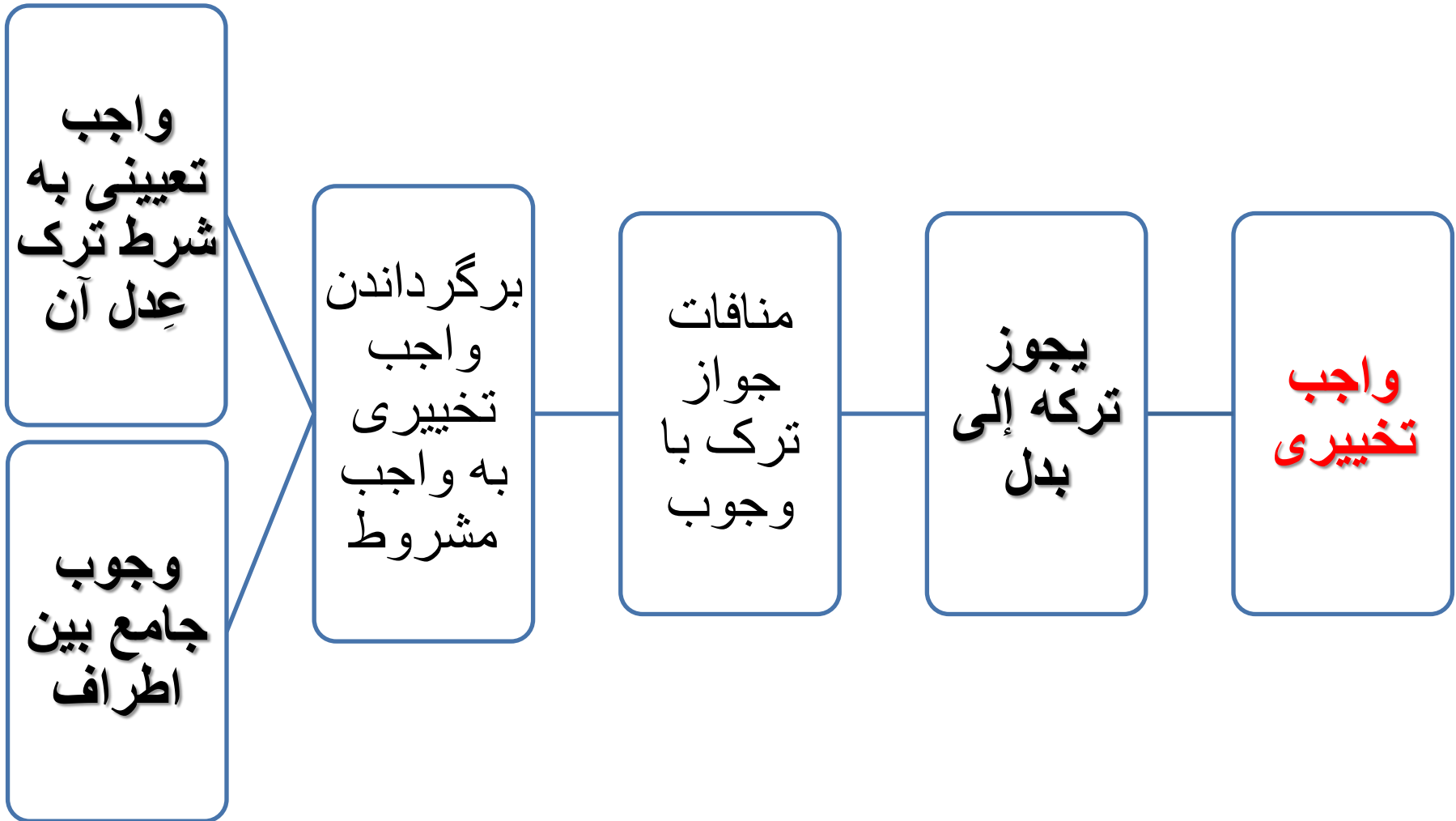
آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟



آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- برای دفع این اشکال واجب تخیری را به اشکال مختلفی تفسیر کرده‌اند تا با وجوب سازگار باشد.
- یکی از آن نظریات برگرداندن واجب تخیری به واجب مشروط است.
- گفته‌اند واجب تخیری واجبی است که تعیناً واجب است به شرط اینکه ما عدل آن را انجام ندهیم؛
- مثلاً نماز جمعه تعیناً واجب است به شرط اینکه نماز ظهر نخوانیم و همین طور نماز ظهر واجب است به شرط اینکه نماز جمعه نخوانیم.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟



آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- در بین تفاسیری که برای واجب تخییری مطرح است یک تفسیر هست که اشکالی بر آن وارد نیست و همه اقسام واجب تخییری را در بر می‌گیرد.
- این تفسیر می‌گوید در موارد وجوب تخییری، شارع جامع بین اطراف وجوب را بر ما واجب کرده است؛
- یعنی در مثل نماز در ظهر روز جمعه، جامع بین نماز ظهر و نماز جمعه را بر ما واجب کرده است.
- یا در مثل کفاره، جامع بین شصت روز روزه، اطعام شصت مسکین و آزاد کردن بنده را بر ما واجب کرده است.

حقيقي

انتزاعي

جامع

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- جامع به دو شکل متصور است. گاهی حقیقی است به این معنی که اطراف تخییر، در یک بخشی از هویت و حقیقت خودشان با هم مشترک اند و در عین حال هر یک دارای ویژگی‌های خاص خود هستند؛ مثل انواع مختلف که تحت یک جنس قرار دارند.
- انواع در یک بخشی از حقیقت خودشان که همان جنس آنها است با هم مشترک اند؛ مثلاً انسان و فرس، با یکدیگر در بخشی از حقیقت یعنی که حیوان بودن است با هم مشترک هستند و هر یک دارای ویژگی خاصی اند که همان فصل است و این‌ها را از یکدیگر متمایز می‌کند.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- در مثال‌های شرعی ممکن است کسی برای نماز جمعه و نماز ظهر چنین جامع حقیقی را قائل باشد و بگوید این دو با همدیگر در بخشی از حقیقت و هویت مشترک هستند؛ مثلاً هر دو رکعت اول و دوم را شامل می‌شوند. اما هر یک خصوصیتی دارند که آن دیگری ندارد. نماز ظهر دو رکعت اضافه بر نماز جمعه دارد و نماز جمعه دو خطبه به جای آن دو رکعت دارد.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- گاهی جامع انتزاعی است. در واقع یک عنوان است که ذهن ما می‌سازد و این عنوان بر اطراف و افراد این جامع صادق است. مقصود همان عنوان «أحدهما» یا «أحدها» است. ظاهراً عتق با روزه اصلاً هیچ اشتراکی ندارند. در این گونه موارد می‌گوییم جامع بین آن دو، انتزاعی است.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- از موارد این نوع جامع، جامع مطرح در علم اجمالی است. در آن بحث در واقع به جامع انتزاعی بین اطراف علم اجمالی، علم داریم؛ مثلاً در همین نماز ظهر و نماز جمعه اگر به جای وجوب تخییری به وجوب تعیینی قائل باشیم، از مصادیق علم اجمالی خواهد بود.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- من می دانم در ظهر جمعه یا نماز جمعه واجب است تعیناً و یا نماز ظهر واجب است تعیناً ولی نمی دانم کدام یک واجب است. در اینجا متعلق علم اجمالی من عبارت است از یک جامع انتزاعی که هم بر نماز جمعه و هم بر نماز ظهر قابل تطبیق است و بر غیر این دو قابل تطبیق نیست.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- در موارد وجوب تخییری چون هر یک از اطراف تخییر به لحاظ تحقق ملاک با یکدیگر مشترک هستند، در واقع عنوان «یکی از این اطراف» متعلق وجوب است.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- پس فرق بین وجوب تعیینی نماز ظهر در روز پنجشنبه با وجوب تخیری نماز ظهر در روز جمعه این است که نماز ظهر در روز پنجشنبه به عنوان نماز ظهر با تمام خصوصیاتش واجب است به گونه‌ای که ما هر چیز دیگر را اتیان کنیم، جایگزین نماز ظهر نخواهد شد اما نماز ظهر در روز جمعه به عنوان مصداقی از جامع، واجب شده است و در واقع جامع بین نماز ظهر و نماز جمعه واجب است نه نماز ظهر با خصوصیت نماز ظهر.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- پس از تعریف وجوب تعیینی و تخییری به سؤال اصلی برگردیم که اگر امری به چیزی تعلق گرفت آیا این امر در وجوب تعیینی آن عمل ظهور دارد یا در وجوب تخییری و یا در هیچ یک.
- فرض کنید شارع به ما گفته است: در روز جمعه نماز ظهر بخوان. من نمی دانم که این نماز ظهر واجب تعیینی است یا واجب تخییری. سؤال این است که خود این امر، با قطع از نظر قرائن خارجی آیا در یکی از این دو نوع وجوب ظهور دارد یا نه؟

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- در جواب می‌گوییم امر در وجوب تعیینی ظهور دارد. به سبب همان نکته‌ای است که حضرت امام - رضوان الله تعالی علیه - اشاره کردند.
- ایشان می‌فرماید متفاهم عرفی از امر، وجوب تعیینی است؛ زیرا اگر این مأموری که امر نماز ظهر در روز جمعه متوجه او شده است، نماز ظهر را ترک کند به عذر اینکه من نماز جمعه را خوانده‌ام و احتمال می‌دهم وجوب نماز ظهر تخیری باشد، این عذر از نظر عقلاً مقبول نیست. منشأ این فهم عرفی در واقع ظهور صیغه امر است در وجوب تعیینی است.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- اما این ظهور عرفی چگونه توجیه می شود؟ این تابع این است که ما وجوب تعیینی را چگونه تفسیر می کنیم.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- اگر گفتیم وجوب تخییری نوعی وجوب مشروط است و وجوب تعیینی وجوب مطلق، واضح است که اطلاق امر وجوب تعیینی را اقتضا می‌کند؛ چون طبق این بیان، وجوب تعیینی وجوب مطلق است در حالی که وجوب تخییری، وجوب مقید است
- اگر تفسیر دیگر را بپذیریم و بگوییم در موارد وجوب تخییری جامع واجب شده است در حالی که در موارد وجوب تعیینی خود همین عنوان خاص واجب است، دو راه برای توجیه ظهور در این فرض وجود دارد: تمسک به ماده امر تمسک به اطلاق صیغه امر.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- برای مثالا مولا فرموده است: «أعتق رقبة» و ما شک داریم که این وجوب عتق یک وجوب تعیینی است یا وجوب تخیری.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- تمسک به ماده امر یعنی اینکه وقتی لفظی در لسان دلیل عنوان «عتق» آمد، ظهورش در این است که عتق بعنوان متعلق امر و مطلوب مولا است در حالی که اگر واجب، واجب تخییری باشد وجوب به جامع حقیقی یا جامع انتزاعی بین عتق و سایر موارد تعلق گرفته است.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخیری؟

- تمسک به اطلاق احوالی صیغه امر این گونه است: وقتی مولا گفت «أعتق رقبة» این هیأت امر مقید به این نشده است که ما کار دیگری را در کنار این ماده انجام داده باشیم یا نه؛ مثلاً شصت روز روزه گرفته باشیم یا نه. این اطلاق اقتضا می کند که عتق رقبه واجب باشد؛ چه من شصت روز روزه گرفته باشم و چه نگرفته باشم.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- در تعبیر بعضی از روایات همین مضمون است که دو رکعت از نماز جمعه کاسته شده است؛ یعنی از نماز ظهر روز جمعه کاسته شده است و بجای آن دو خطبه قرار گرفته است.

آیا امر ظاهر در وجوب تعیینی است یا تخییری؟

- در واقع هر یک از این افعال در عین حال که با یکدیگر متفاوت‌اند، در تحقق مصلحت و ملاک امر مشترک هستند، یعنی همان ملاک و مصلحتی که منشأ پیدایش امر به شصت روز روزه بوده است، همان موجب امر به اطعام شصت فقیر یا امر به آزاد کردن بنده شده است. به تعبیر دیگر چون ملاک امر به سبب هر یک از این‌ها حاصل می‌شده است، شارع به نحو تخییر ما را مکلف به این‌ها کرده است.
- این تفسیر درست‌تر و دقیق‌تر است و اشکالی بر آن وارد نیست.
- اطلاق در راه دوم اطلاق احوالی است نه اطلاق افرادی.

تقسيمات وجوب

عيني

كفائي

وجوب

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- سؤال سوم
- آخرین سؤالی در بحث نوع وجوب این است که آیا امر درجایی که قرینه نباشد، بر وجوب عینی دلالت می‌کند یا وجوب کفائی؟

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

اگر همه مکلفین تارک تکلیف باشند، همگی عاصی خواهند بود.

اگر گروهی از مکلفین این تکلیف را اتیان کنند، از بقیه ساقط خواهد شد.

اگر مجموعه‌ای از مکلفین یا همه آنها با هم این تکلیف را اتیان کردند، همه انجام دهندگان این تکلیف را امتثال کرده‌اند.

ویژگی
های
وجوب
کفائی

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- وجوب کفائی، سه ویژگی دارد:
- اول اینکه در وجوب کفائی، اگر همه مکلفین تارک تکلیف باشند، همگی عاصی خواهند بود.
- دوم آنکه اگر گروهی از مکلفین این تکلیف را اتیان کنند، از بقیه ساقط خواهد شد.
- سوم اینکه اگر مجموعه‌ای از مکلفین یا همه آنها با هم این تکلیف را اتیان کردند، همه انجام دهندگان این تکلیف را امتثال کرده‌اند.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- تفسیری که ما در مورد وجوب کفائی ذکر می‌کنیم باید به گونه‌ای باشد که خودش هم فی حد نفسه با مشکلی مواجه نباشد و بتواند هر سه ویژگی را دربر بگیرد و در عین حال با مفهوم وجوب حال سازگاری داشته باشد.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

واجبی است که با اتیان
برخی از مکلفین، از عهدۀ
بقیه ساقط خواهد شد.

واجب
کفائی

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- تعریف واجب کفائی
- در یک تفسیر ابتدایی از وجوب کفائی گفته‌اند واجب کفائی، واجبی است که با اتیان برخی از مکلفین، از عهده بقیه ساقط خواهد شد. در این تعریف، همان ویژگی دوم اخذ شده است.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- اشکالی که بر این تعریف وارد می‌شود یا لااقل سؤالی که درباره آن مطرح می‌شود این است که چگونه عملی بر همه مکلفین به گونه ای واجب باشد که اگر همه اتیان نکنند، عاصی خواهند بود و در عین حال اگر برخی از آنها اتیان کنند، از بقیه ساقط می‌شود!
- اگر این تکلیف متوجه همه بوده است، باید همه اتیان کنند و اگر متوجه بعضی بوده است، در صورتی که اتیان نشود، باید آن بعضی عاصی باشند نه همه.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- برای پاسخ به این سؤال، نظریات و تفسیرهای مختلفی برای واجب کفائی عرضه شده است.
- در برخی از این نظریات فرض شده است که در موارد وجوب کفائی مثل سایر تکالیف ما با دو طرف مواجه هستیم: یک طرف مأمور به یعنی آنچه که به آن امر شده است و طرف دیگر مأمور یعنی کسی که به او امر شده است.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- در مقابل تفسیری هست که می‌گویند در موارد وجوب کفائی ما صرفاً یک مأمور به داریم و اصلاً مأمور نداریم.
- به تعبیر دیگر فقط یک عملی هست که شارع تحقق این عمل را می‌خواهد اما کسی که شارع از او تحقق عمل را مطالبه کرده باشد، اصلاً نداریم.
- به همین دلیل هر کس اتیان کند از بقیه ساقط می‌شود و اگر هیچ‌کس هم اتیان نکند، چون تکلیف تحقق پیدا نکرده است، همه عاصی خواهند بود و اگر یک گروه خاصی اتیان کنند، همان گروه امتثال کرده‌اند.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- اشکال کردند که امر یک طرفه در مقام بعث و تحریک معنا ندارد. مفاد امر، برانگیختن مأمور، به سوی مأمور به است. بنابراین معنا ندارد که بگوییم امری آمده است و به سوی مأمور به هم برانگیخته است اما کسی را برنیا نگیخته است!

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- این برانگیختن یا تحریک یا بعث یا ارسال، همواره نسبت به یک کسی معنا دارد. همیشه فردی هست که برانگیخته می‌شود، ارسال می‌شود، مبعوث می‌شود.
- در واقع مفاهیمی مثل ارسال جزء مفاهیم ذات اضافه است که یک مرسل الیه نیاز دارد و مرسل هم نیاز دارد. بنابراین حتماً باید فرض کنیم که واجب کفائی مثل سایر تکالیف دارای دو طرف مأمور و مأمور به است.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

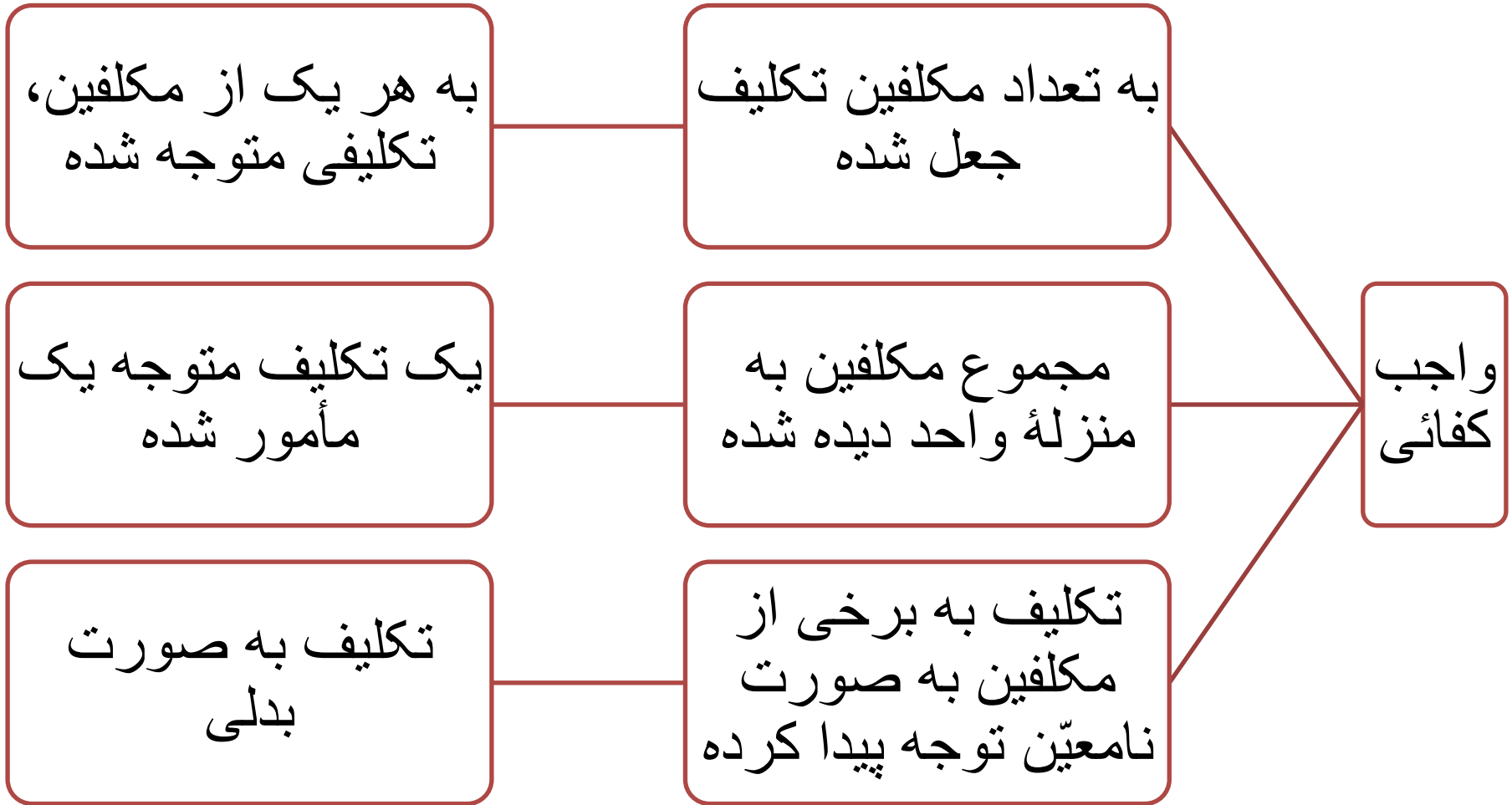
به تعداد مکلفین تکلیف جعل شده

مجموع مکلفین به منزله واحد دیده شده

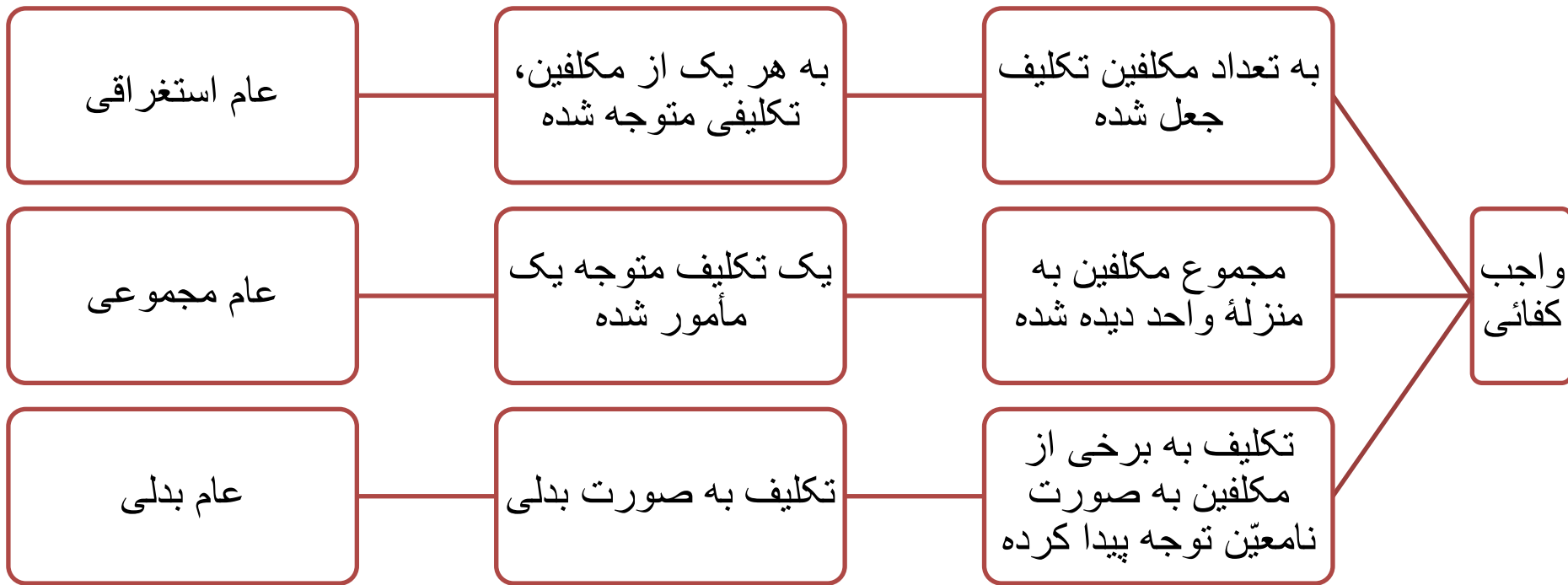
تکلیف به برخی از مکلفین به صورت نامعین توجه پیدا کرده

واجب کفائی

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟



آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟



آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- اما آن نظریه که واجب کفائی اضافه بر مأمور به، دارای مأمور هم هست خودش به سه شکل تفسیر شده است.
- تفسیر اول اینکه در موارد وجوب کفائی، به تعداد مکلفین تکلیف جعل شده و به هر یک از مکلفین، تکلیفی متوجه شده است. در واقع تکلیف از قبیل عام استغراقی جعل شده است.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- تفسیر دوم اینکه مجموع مکلفین به منزلة واحد دیده شده و این مجموعه، مأمور واحد تلقی شده‌اند. در واقع یک تکلیف متوجه یک مأمور شده است که آن یک مأمور همان مجموع مکلفین است. به اصطلاح تکلیف به صورت عموم مجموعی قرار داده شده است.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- تفسیر سوم اینکه تکلیف به برخی از مکلفین به صورت نامعین، توجه پیدا کرده است. پس نه مثل فرض اول تک تک مکلفین تکلیف دارند و نه مثل فرض دوم مجموع مکلفین با هم به منزله واحد مورد توجه تکلیف قرار گرفته‌اند. در حقیقت تکلیف به صورت بدلی جعل شده است. به همین دلیل وقتی برخی از مکلفین اتیان می‌کنند، از عهده سایرین ساقط می‌شود.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- ما نمی‌خواهیم بیشتر از این وارد تعابیر و تفاسیر شویم. ذیل هر یک از این‌ها تفسیرهای دیگری هست. از باب مثال ذیل نظریه عام استغراقی، چهار نظریه دیگر وجود دارد که در حقیقت امور استغراقی را به چهار شکل تفسیر می‌کنند. ما از بین این‌ها یک شاخه‌ای را که بی‌مشکل است، انتخاب می‌کنیم و روی آن بحث را سامان می‌دهیم.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- بررسی نظر مختار
- وقتی تکلیفی متوجه مکلفی می شود، ظاهر تکلیف این است که همه آحاد مکلفین را دربر می گیرد.
- بنابراین علی القاعدة وجوب کفائی هم باید به نحو عام استغراقی باشد.
- پس از بین این سه نظریه پیش گفته، عام استغراقی بودن وجوب کفائی نظریه مقبول تری به نظر می رسد.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- حال بنا بر عام استغراقی چگونه واجب کفائی را تفسیر کنیم که آن خصوصیات سه گانه تحقق پیدا کند؛ یعنی اگر همه ترک کردند، همه عاصی باشند. اگر برخی اتیان کردند، از سایرین ساقط شود. اگر همه با هم امتثال کردند، همه کسانی که اتیان کرده اند، ممثّل محسوب شوند.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- گفته‌اند که در موارد وجوب کفائی شارع تکلیف را متوجه تک تک مکلفین کرده است اما این تکلیف فقط انجام فعل نیست که اگر این بود، وجوبش عینی می‌شد.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- فرض کنید وجوب روزه ماه مبارک رمضان، وجوب عینی است؛ یعنی تک تک آحاد مکلفین، مکلف هستند که در ماه مبارک رمضان روزه بگیرند. اگر برخی از آنها اتیان کنند و روزه بگیرند از بقیه ساقط نمی‌شود؛ چون در موارد وجوب عینی خود این عمل یعنی روزه گرفتن بر شخص مکلف واجب شده است.
- اما در موارد وجوب کفائی وقتی برخی اتیان می‌کنند، از دیگران ساقط می‌شود.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- فرض کنید در جامعه، نیازمند قضاوت هستیم. مواردی پیش می‌آید که مردم گرفتار دعاوی می‌شوند و باید با حکم قضائی رفع شود. خود قضاوت شرایطی دارد. یکی از آن شرایط فقاهاست. بنابراین برای قضاوت نیازمند فقیه هستیم. اگر برخی از مکلفین به مقام فقاهات برسند و به تعدادی که مورد نیاز است، متصدی مقام قضاوت شوند، از عهده سایرین ساقط می‌شود.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- پس قبل از اینکه فقیهی در جامعه پیدا شود یا قاضی به اندازه کافی باشد، همه مکلفین تکلیف دارند تا برای فقیه شدن و قاضی شدن اقدام کنند. وقتی برخی اتیان می‌کنند، از دیگران ساقط می‌شود. این نشان می‌دهد که ذات فعل - در این مثال فقیه و قاضی شدن - بر افراد واجب نبوده است که اگر چنین بود، باید همه اتیان می‌کردند و فعل بعضی موجب سقوط از دیگران نمی‌شد.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- در اینجا می‌گوییم برای هر فردی یک جامعی وارد واجب شده است.
- جامع بین فعل خودش یا دیگری.
- پس در این مثال بر من واجب شده است که یا خودم فقیه شوم یا یک فرد دیگری. در حقیقت عنوان «یکی از این دو» باید تحقق پیدا کند.
- بنابراین چه من فقیه بشوم و چه دیگری فقیه شود، چون جامع تحقق پیدا می‌کند، تکلیف از من ساقط می‌شود.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- این جامع، انتزاعی است و مشکلی در جامع از این جهت نیست. تنها اشکال این است که این فقط فعل من، مقدور من است و اینکه دیگران یک کاری بکنند یا نکنند، مقدور خودشان است. آنها تحت قدرت من نیستند. پس شارع مرا به فعلی امر کرده که مقدور من نیست! در حالی که تعلق تکلیف به غیر مقدور صحیح نیست.
- جواب این است که جامع بین مقدور و غیر مقدور، مقدور است؛ چون من می توانم با اتیان طرف مقدور جامع را محقق کنم.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- اگر واجب کفایی را این طور تفسیر کردیم، همه خصوصیات واجب کفائی تحقق پیدا می‌کند.
- اگر هیچ کس اتیان نکند، همگی عاصی خواهند بود؛ چون هیچ یک آن تکلیفی را که داشتند - جامع بین فعل خودشان و فعل دیگران - اتیان نکردند.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- اگر برخی اتیان کنند، از سایرین ساقط می‌شود؛ چون مکلف به، جامع بوده است و با تحقق بعضی از افرادش تحقق پیدا می‌کند و با تحققش دیگر تکلیفی متوجه دیگران نیست.
- بنابراین اگر یک گروه یا همه با هم اتیان کنند، همه اتیان کنندگان امتثال کرده‌اند.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- ظاهر اولی امر این است که مولا خواهان عمل خود من است و این نکته که جامع بین فعل من و فعل دیگری مطلوب مولا باشد، به مؤونه زائده احتیاج دارد.

آیا امر ظاهر در وجوب عینی است یا کفایی؟

- به همین دلیل باید آن را با یک عبارتی یا به گونه‌ای دیگر بیان کند؛ مثلاً اگر بگوید همه بر میت نماز بخوانید و بعد بگوید اگر بعضی خواندید از بعضی دیگر ساقط می‌شود، آن وقت می‌فهمیم پس تکلیف فعل من نیست، بلکه جامع بین فعل من و فعل دیگری است.
- اما وقتی می‌گوید همه نماز بخوانید، چون فرض کردیم تکلیف متوجه همه شده است، ظاهرش این است که همه باید نماز بخوانند و اگر بعضی بخوانند، ساقط نمی‌شود. امام - رضوان الله علیه - می‌فرماید متفاهم عرفی از امر، واجب تعیینی است.

نکات پایانی در بحث امر

- نکات پایانی در بحث امر
- در انتهای بحث امر به چند نکته اشاره کنیم که در واقع تکملة بحث‌های قبلی هستند:

آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟

- ۱. آیا آمر با علم به انتفاء شرط، می تواند امر کند؟ آیا در جایی که آمر می داند شرط امر او حاصل نیست و در نتیجه مأمور به هم حاصل نخواهد شد، می تواند به چیزی امر کند یا خیر؟